

انگیزه

راهکاری نو برای خلق دنیایی نو

دانیل اچ. پینک

مرجان فرجی


انتشارات لیوسا

فهرست مطالب

۱۱	پیشگفتار مترجم
۱۳	مقدمه
۲۷	بخش یک: یک سیستم عامل جدید
۲۸	فصل اول: ظهور و سقوط نسخه‌ی شماره‌ی دوی انگیزه
۵۵	فصل دو: هفت دلیل نامؤثر بودن سیاست هویج و چماق
۱۰۲	فصل ۲ الف: نوع آی. و نوع ایکس
۱۱۹	بخش دوم: سه عنصر
۱۲۰	فصل سوم: استقلال عمل
۱۵۶	فصل چهارم: تبجر
۱۸۷	فصل پنجم: آرمان
۲۱۱	بخش سوم: جمعه‌ابزار نوع آی
۲۱۴	قرارداد نوع آی
۲۲۴	سازمانهای نوع آی
۲۴۴	سازمان ژرف‌اندیشی
۲۵۳	بچه‌ها و مادرها و آموزگاران نوع آی
۲۶۹	فهرست مطالعه‌ی نوع آی
۲۸۵	صحیح استادان مسلم‌بنشینید
۲۹۵	تجزیه‌ی تحریبی نوع آی

داوطلبان، عاقبت آش شله قلم کاری درست می شد، ولی محال بود محصول کارشان بتواند روی دست تولید شرکتی سودجو بلند شود. انگیزه ها همگی غلط از کار درآمدند. مایکروسافت همه ی هزینه ها را متقبل شد تا از موفقیت محصولش پولی به جیب بزند؛ همه ی افراد درگیر پروژه ی دیگر از همان آغاز می دانستند که موفقیت چیزی عایدشان نمی کند. از همه مهم تر، نویسندگان، ویراستاران و مدیران مایکروسافت همگی دستمزد دریافت می کردند، درحالی که افراد سهام در پروژه ی دیگر دستمزدی نمی گرفتند. درحقیقت، هر بار که کار مجانی ارائه می کردند، احتمالاً باید از جیب خود مایه می گذاشتند. این پرسش چنان پیش پا افتاده بود که اقتصاددان ما حتی عارش می آمد آن را به عنوان یکی از پرسش های امتحانی کلاس کارشناسی ارشد خود مطرح کند. از شدت آسانی، هر کسی جواب رامی دانست.

اما خودتان می دانید روال کار چگونه پیش رفت.

در ۳۱ اکتبر سال ۲۰۰۹، مایکروسافت عرضه ی ام.اس.ان. انکارتا،^۱ دیسک این برنامه و دانشنامه ی برخط خود را که بازار را به مدت شانزده سال زیر سلطه ی خود گرفته بود، متوقف کرد. ویکی پدیا - الگوی دومی که به آن اشاره کردیم - در عرض تنها نه سال پس از آغاز به کار، به بزرگترین محبوب ترین دانشنامه ی جهان تبدیل شد. ویکی پدیا دارای بیش از هفده میلیون مقاله به حدود دویست و هفتاد زبان بود که فقط مقاله های انگلیسی آن به سه و نیم میلیون عدد بالغ می شد. [۱]

ماجرای چه قرار بود؟ دیدگاه جاری درباره ی انگیزه ی انسانی به سختی می توانست این نتیجه را توضیح دهد.

۱. MSN Encarta: یک دایرة المعارف چندرسانه ای دیجیتال از انتشارات شرکت مایکروسافت بین

سیادتِ سیاستِ ترغیب و تهدید

رایانه‌ها - چه انواع غول‌آسای مورد استفاده در تجربه‌های دیسی، از جمله آی مک^۱ که هم‌اکنون این عبارت را دارم روی آن می‌نویسم، چه تلفن همراهی که در جیبتان زنگ می‌زند - همگی از یک سیستم عامل برخوردارند. در پسِ سخت‌افزاری که آن را لمس می‌کنید و برنامه‌هایی که با آنها سروکار دارید، لایه‌ی نرم‌افزاری پیچیده‌ای وجود دارد که حاوی دستورها، پروتکل‌ها، و فرض‌هایی است که جریان روان‌همه‌ی این فعالیت‌ها را ممکن می‌سازد. ما اغلب به سیستم عامل وقعی نمی‌نهمیم و صرفاً وقتی متوجه آن می‌شویم که سیستم عامل یک جای کار به مشکل برمی‌خورد؛ جایی که سخت‌افزار و نرم‌افزاری که قاعدتاً باید مدیریت کند به قدری گسترده و پیچیده است که رسیدگی به آن از توان سیستم عامل جاری خارج است؛ و آنجاست که رایانه‌ی ما ادا درمی‌آورد و درست کار نمی‌کند. بعد صدای اعتراض ما بلند می‌شود. و سازندگان هوشمند نرم‌افزار، که کارشان وررفتن به برنامه‌هاست، خوشبین‌اند و دست به نگارش برنامه‌ای اساساً بهتر - نسخه‌ی ارتقاء یافته - می‌زنند.

جامعه نیز دارای سیستم عامل است. قوانین، آداب و رسوم اجتماع، و تمهیدات اقتصادی روزمره‌ای که با آن سروکار داریم، لایه‌ی رویی دستورها، پروتکل‌ها، و مفروضات ما را درباره‌ی روند امور تشکیل می‌دهند؛ و بخش اعظم سیستم عامل اجتماع ما مشتمل بر مجموعه‌ای از پیش‌فرض‌ها درباره‌ی رفتار انسان است.

در گذشته‌های دور - منظورم گذشته‌های بسیار دور است، مثلاً پنج‌هزار سال پیش - فرض پایه درباره‌ی رفتار انسان، ساده و مطابق با